

رانت، دولت رانتیر و رانتیریسم: یک بررسی مفهومی

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در تعدادی از مقالات و کتبی که به زبان فارسی نگاشته شده یا به فارسی برگردانده شده است، مفهوم دولت رانتیر (rentier state) مطرح گشته و حتی گاه در مورد دولت ایران نیز به کار گرفته شده است.^۱ اما به نظر می‌رسد این مقالات و کتب دارای دو کمبود عمده باشند. نخست، کمتر تعریف روشنی از مفهوم رانت (rent) و دولت رانتیر ارائه نموده‌اند؛ و دوم، ادبیات مربوط به دولت رانتیر را معرفی نکرده‌اند. از همین رو در این مقاله می‌کوشیم با سیری در ادبیات مربوط به دولت رانتیر، نه تنها تعریفی از دولت رانتیر ارائه دهیم، بلکه خوانندگان را هر چند به طور مختصر با ادبیات موجود در مورد دولت رانتیر آشنا سازیم.

نوشته‌های جدید اقتصاد سیاسی درباره رانت به بررسی تأثیر رانت در دو سطح می‌پردازد. در نخستین سطح، به بحث درباره اقتصاد رانتیر پرداخته می‌شود؛ بدین معنا که جریان مقادیر عظیمی از رانتهای خارجی و نقش مهمی که در کارکرد اقتصاد داخلی بازی می‌کنند، مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌گردد. در سطح دوم به بررسی دولت رانتیر و ویژگیهای عمده آن پرداخته می‌شود. از آنجا که معتقدیم دولت رانتیر در واقع دربردارنده نوع ویژه‌ای از اقتصاد رانتیر است که در آن رانت به طور مستقیم به خزانه دولت سرزیر می‌شود و دولت در هزینه کردن آن اختیار تام دارد، بنابراین تمایزی بین دو سطح مذکور قائل نشده و به بررسی مفهومی هر دو سطح می‌پردازیم. در این راستا پس از تعریف مفاهیم رانت، دولت رانتیر و رانتیریسم تأثیرهای رانتیریسم بر دولت، بر ارتباط دولت و جامعه، و بر اقتصاد داخلی را به اختصار بیان می‌نماییم.

وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر می‌باشد.^۲ آدام اسمیت میان رانت و دیگر منابع درآمد مانند مزد (Wage) و سود (Profit) تفاوت گذاشته است. به نظر اسمیت «رانت به شیوه‌ای متفاوت از دستمزد و سود، در ترکیب قیمت کالاها داخل می‌شود. دستمزدها و سودهای بالا یا پایین سبب بالا یا پایین رفتن قیمت می‌شود، اما رانت بالا یا پایین سبب قیمت

رانت و دولت رانتیر

در نخستین گام باید مفهوم رانت را تعریف کنیم. دیوید پیرس در لغت‌نامه اقتصاد مدرن، رانت را به شکل زیر تعریف می‌نماید: «رانت پرداختی است در ازای یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ

رانتیریسم

در ادبیات مربوط به دولت رانتیر، معمولاً چنین دولتی را دارای شیوه خاصی از سیاست و حکومت می‌دانند. این شیوه خاص سیاست و حکومت که ما آن را رانتیریسم می‌نامیم، دارای دو مشخصه عمده است: نخست این که رانت در کنترل نخبگان حاکم است و دوم این که نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌نمایند تا در نتیجه، ثبات سیاسی دولت را حفظ کنند.

بنابراین، در نوشته‌های مربوط به دولت رانتیر چنین تصور می‌شود که سیاست و حکومت در تمام دولت‌های رانتیر در چارچوب مدل رانتیریسم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، رانتیریسم به عنوان جزء داخلی رفتار دولت رانتیر انگاشته می‌شود. در این نوشته‌ها برای رانتیریسم سه تأثیر عمده در نظر گرفته شده است: ۱- تأثیر بر خود دولت، ۲- تأثیر بر رابطه دولت و جامعه، و ۳- تأثیر بر اقتصاد داخلی. در ذیل به بررسی هر یک از این تأثیرات می‌پردازیم.

تأثیر بر دولت

تأثیر عمده کسب مقادیر عظیم رانت بر دولت زمانی قابل رویت است که دولت، دریافت‌کننده مستقیم و تنها دریافت‌کننده رانت باشد. الگوی رانتیریسم زمانی تحقق کامل دارد که رانت صرفاً تحت کنترل نخبگان حاکم باشد؛ نخبگانی که بر اریکه قدرت تکیه زده و از قدرت انحصاری در تصمیم‌گیری برای هزینه کردن آن برخوردار باشند. این قدرت انحصاری به دو علت به وجود می‌آید. نخست اینکه دسترسی دولت رانتیر به مقادیر عظیم رانت موجب تقویت استقلال آن از جامعه می‌شود. این استقلال نه به خود باعث می‌شود دولت، قدرت انحصاری به دست آورد و در اتخاذ و اجرای سیاست‌های خود مجبور به در نظر گرفتن منافع جامعه نباشد. دوم اینکه نخبگانی که رانت را در اختیار دارند می‌توانند از آن برای جلب همکاری دیگر گروه‌ها و نخبگان در جامعه استفاده کنند و معمولاً چنین می‌کنند. بنابراین، نخستین تأثیر عمده رانت بر دولت این است که استقلال آن را در برابر جامعه افزایش می‌دهد و دولت به علت دارا بودن قدرت انحصاری در استفاده از رانت، از آن برای حفظ و تداوم قدرت انحصاری خویش استفاده می‌نماید.

اهمیت رانتی که مستقیماً به خزانه دولت ریخته می‌شود توسط محققانی چون همایون کاتوزیان^۱، فیلیپ راو کینز^۲، کایرن چودری^۳ و حازم بیلایوی^۴ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این کنترل انحصاری دولت بر رانت است که دولت رانتیر را از اقتصاد رانتیر مجزا می‌سازد.

بالا یا پایین نیست بلکه نتیجه آن است»^۲. در واقع رانت صرفاً در آمدی نیست که مثلاً عاید یک صاحب زمین یا خانه می‌شود بلکه جایزه‌ای در ازاء مالکیت منابع طبیعی است. چنان که ریکاردو معتقد است: «معادن و زمین، منبع رانت برای مالکان آنها می‌باشد و این رانت نتیجه بالا بودن ارزش محصولات معادن یا زمین است نه علت آن»^۳. به طور کلی زمانی که از رانت سخن می‌رود منظور «درآمدی است که از مواهب طبیعی عاید می‌گردد»^۴. بدین ترتیب می‌توان دریافت که رانت در آمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید و در برابر مفاهیمی چون مزد و سود به کار می‌رود که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است.

اما دولت رانتیر چیست؟ دولت رانتیر را نیز به شکل زیر تعریف کرده‌اند: هر دولتی که قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت دریافت کند، دولت رانتیر نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، دولتی رانتیر است که به دلایل خاصی از فروش کالاها و خدمات با قیمت‌هایی بسیار بالاتر از هزینه تولید آنها درآمد مستقیمی دارد.^۵ بنابراین دولت رانتیر نوع ویژه‌ای از اقتصاد رانتیر است، که در آن رانت از طریق دولت و نه به شکل مستقیم به درون اقتصاد سرزیر می‌شود. در نوع دیگر اقتصاد رانتیر، رانت به طور مستقیم به دست افراد و گروه‌های جامعه می‌رسد و دولت دخالتی در آن ندارد. برای نمونه پول‌هایی که کارگران خارجی به کشور خود می‌فرستند از این نوع دوم به شمار می‌رود.

دقیق‌ترین و کامل‌ترین تعریف و تبیین دولت رانتیر در کتابی تحت همین عنوان آمده است.^۶ بر اساس این تعریف، دولت رانتیر دولتی است که مقادیر قابل توجهی از رانت‌های خارجی را به شکل منظم دریافت می‌دارد. ویژگی‌های عمده دولت رانتیر از این قرار است:

- ۱- از آنجا که تمام اقتصادها دارای برخی مشخصه‌های رانتی هستند، از این رو تنها دولتی را رانتیر می‌خوانیم که رانت بخش عمده درآمد آن را تشکیل دهد. در کتاب **دولت رانتیر**، برای تشخیص این امر آستانه ۴۲٪ در نظر گرفته شده است؛ بدین معنا که هر کشوری که ۴۲٪ یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد، دولت رانتیر قلمداد می‌شود.
- ۲- این رانت‌ها باید از خارج کشور تأمین شود. به عبارت دیگر، رانت هیچگونه ارتباطی با فرایندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور ندارد.
- ۳- در یک دولت رانتیر تنها درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت می‌باشند و بنابراین اکثر افراد جامعه دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده رانت هستند.
- ۴- دولت رانتیر دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و در هزینه نمودن آن نقش اساسی ایفا می‌نماید.^۸

بدین ترتیب، بیشتر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت را می‌توان دولت‌های رانتیر نامید. رانت خارجی که مستقیماً به خزانه این دولت‌ها سرزیر می‌شود و هیچگونه ارتباط جدی با فعالیت‌های اقتصادی داخل کشور ندارد، آثار و عواقب متعددی برای دولت، ارتباط دولت و

تأثیر دوم رانت بر دولت این است که به واسطه وجود رانت، توانایی و کارویژه استخراجی و باز توزیعی تضعیف می‌شود. برخلاف بیشتر دولت‌ها که برای ادامه حیات چاره‌ای جز گرفتن مالیات از جامعه و صنایع خود ندارند، دولت رانتی نیاز واقعی به اخذ مالیات ندارد، زیرا قسمت اعظم درآمد آن را رانت‌های خارجی تشکیل می‌دهد. تعداد زیادی از محققان همچون لیزا اندرسون^{۱۳}، راکینز^{۱۴}، چودری^{۱۵} و بیلای^{۱۶} چگونگی تضعیف توانایی‌های استخراجی دولت رانتی را با آمار و ارقام نشان داده‌اند.

تأثیر بر روابط دولت و جامعه

رانتی که دولت رانتی دریافت می‌کند دولت را قادر می‌سازد تا از آن برای کسب و حفظ مشروعیت خود استفاده نماید. برای این منظور دولت رانتی می‌تواند با مصرف رانت در جهت بالا بردن رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیر حاکم در جامعه عمل نماید. جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیر حاکم توسط دولت رانتی اغلب شکل پاتریمونیالیستی یا نوباتریمونیالیستی به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، ارتباطات خانوادگی و فامیلی آشکارا اساس کار قرار می‌گیرد و افراد مورد نظر دولت رانتی مورد حمایت واقع می‌شوند. این حمایت می‌تواند به شکل اعطاء مشاغل عالی رتبه، قرارداد‌های نان و آب‌دار، وام‌های بدون بهره، و دیگر مواهب و مزایا باشد.

همانطور که محققانی چون راکینز^{۱۷}، بیلای^{۱۸}، شیرین‌هانتز^{۱۹}، مایکل چاتلوس^{۲۰}، و مهدوی^{۲۱} بیان کرده‌اند، استراتژی کلی گروه حاکم این است که بخشی از ثروت هنگفتی را که از رانت به دست آورده است میان جامعه توزیع نماید. این رانت در راستای رفاه عمومی جامعه مصرف می‌شود. برای نمونه، فراهم آوردن فرصت‌های مناسب اقتصادی مانند اشتغال و عقد قرارداد‌های دولتی و همچنین ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات دولتی مانند خدمات رایگان بهداشتی و آموزشی و غیره می‌تواند برای حفظ سلطه و مشروعیت دولت رانتی به کار گرفته شود. در واقع استفاده از رانت در این راستا می‌تواند حمایت اکثر نخبگان غیر حاکم و گروه‌های جامعه از دولت رانتی را تضمین نماید و در نتیجه، از بروز هرگونه چالش با قدرت دولت جلوگیری نماید. استفاده از رانت برای جلب حمایت جامعه، یکی از ویژگی‌های عمده و ضروری مدل سیاست و حکومتی است که ما تحت عنوان رانتیسم از آن یاد کردیم.

تأثیر رانت بر روابط دولت و جامعه در عرصه دیوانسالاری هم قابل ملاحظه است. در این راستا نه تنها می‌توان از رشد حجم دیوانسالاری و سازمان‌داری دولت رانتی به عنوان یکی از تأثیرات رانت بر روابط دولت و جامعه یاد کرد، بلکه توجه به رشد دستگاه دیوانی نیز نتیجه تأثیر رانتیسم بر روابط دولت و جامعه می‌باشد. توسعه و گسترش دیوانسالاری را می‌توان به عنوان وسیله‌ای قلمداد کرد که دولت رانتی به کمک آن هم رانت را به شکل موثرتری میان جامعه توزیع می‌کند و هم

منبع گسترده‌ای برای اشتغال گروه‌های مختلف جامعه فراهم می‌آورد. همانطور که ایوبی^{۲۲} و بیلای^{۲۳} هم گفته‌اند، مقادیر هنگفت رانت خارجی که به دست دولت رانتی می‌رسد، وجود دیوانسالاری گسترده را ضروری می‌سازد تا از آن طریق، دولت نه تنها بتواند سیاست‌های خود را به بهترین شکل اجرا نماید بلکه در توزیع رانت میان جامعه موفق‌تر باشد. همزمان و شاید مهم‌تر اینکه دیوانسالاری گسترده به معنای فراهم بودن مناصب متعددی است که دولت می‌تواند برای جلب حمایت اعضای گروه‌های مختلف از آن استفاده نماید. به عقیده ایوبی و بیلای، کارویژه جلب همکاری اعضای گروه‌های مختلف به کمک دیوانسالاری حتی از کارویژه دیگر آن یعنی توزیع رانت و مدیریت صحیح نیز مهم‌تر است.

همانطور که پیشتر نیز بیان نمودیم، وابستگی فزاینده دولت رانتی به درآمد رانت بدین معناست که از فشار مالی بر جامعه کاسته می‌شود، زیرا دولت یا هیچگونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی‌کند یا اینکه مالیات دریافتی آن بسیار ناچیز است. به عبارت دیگر، کارویژه توزیعی دولت صرفاً متوجه رانت و نه مالیات اخذ شده از جامعه می‌باشد.

این مسئله موجب مطرح شدن فرضیه‌ای از سوی محققانی چون چودری^{۲۴}، راکینز^{۲۵}، و بیلای^{۲۶} گشته است. براساس این فرضیه، دولت رانتی در مقابل عدم دریافت مالیات از جامعه، به توافقی ضمنی با مردم دست می‌یابد که در چارچوب آن مردم دیگر انتظار ندارند دولتی منتخب و نماینده جامعه داشته باشند. به عبارت دیگر، شعار «عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی» جزء اساسی رانتیسم است. بدین ترتیب، چنین توافقی باعث تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هر چه بیشتر دولت رانتی می‌گردد.

تأثیر بر اقتصاد

در نوشته‌های مربوط به دولت رانتی، بحث‌های گسترده‌ای درباره تأثیر رانت و رانتیسم بر اقتصاد مطرح شده است که در این مقاله بنای بحث تفصیلی آن را نداریم. ولی از آن میان، دو تأثیر از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد که به طور گذرا به ذکر آنها می‌پردازیم. نخست اینکه، رانت باعث حاکم شدن نوعی روحیه رانتی (rentier mentality) در کشور می‌شود. ویژگی عمده روحیه رانتی این است که به گزاره «کار و کوشش علت ثروتمند شدن است» خدشه وارد می‌آید. به عبارت دیگر در اقتصاد رانتی، کار و فعالیت شدید اقتصادی علت ثروتمند شدن نیست، بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌آفریند. این روحیه رانتی به طور خودکار پدیده‌ای را به دنبال می‌آورد که چاتلوس آن را «اقتصاد چرخشی» (circulation economy) نامیده است. وی این اصطلاح را در مقابل اصطلاح «اقتصاد تولیدی» (production economy) به کار می‌برد. چنانکه وی می‌نویسد:

دستیابی به چرخه رانت، خیلی مهم‌تر از دستیابی به کارایی

3. A. Smith, **The Wealth of Nations** (London: Everyman's Library, 1960), p. 412.
4. D. Ricardo, **The Principles of Political Economy and Taxation** (London: Everyman's Library, 1962), p. 590.
5. A. Marshall, **Principles of Economics** (London: Macmillan, 1920).
6. H. Beblawi and G. Luciani (eds.), **The Rentier State** (London: Croom Helm, 1987), pp 11-12.
7. **Ibid.**
8. **Ibid.**
9. H. Katouzian, "Oil and Economic Development", in G. Sabagh (ed.), **The Modern Economic and Social History of the Middle East in its World Context** (Cambridge University Press, 1986), pp. 50-53.
10. P. Rawkins, "Nation - Building and the Unsteady State: The Arab Gulf States in the Late 1980s", **Middle East Focus**, Spring 1989, pp. 6-7.
11. K. Chaudry, "The Price of Wealth: Business and State in Labour Remittance and Oil Economies", **International Organization**, 43,1 (Winter 1989), pp. 101-145.
12. H. Beblawi, "The Rentier State in the Arab World", in Beblawi and Luciani (eds.), **The Rentier State**, op. cit.
13. Lisa Anderson, "The State in the Middle East and North Africa", **Comparative Politics** (1987), pp. 9-10.
14. P. Rawkins, **op. cit.**, pp. 7-8.
15. Chaudry, **op. cit.**, pp. 113-115.
16. H. Beblawi, **op. cit.**
17. P. Rawkins, **op. cit.**, pp. 6-18.
18. H. Beblawi, **op. cit.**
19. S. Hunter, "The Gulf Economic Crisis and Its Social and Political Consequences", **Middle East Journal**, 10,1 (1986), pp. 600-611.
20. M. Chatelus, "Policies for Development: Attitudes Towards Industry and Services", in G. Luciani (ed.), **The Arab State** (University of California Press, 1990), pp. 104-105. 127.
21. H. Mahdavy, "The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran", in M.A. Cook (ed.), **Studies in the Economic History of the Middle East** (London: 1970), pp. 436-437.
22. N. Ayubi, "Arab Bureaucracies: Expanding Size, Changing Roles", in Luciani (ed.), **The Arab State**, op. cit. pp. 136-144.
23. Beblawi, **op. cit.**
24. Chaudry, **op. cit.**, pp. 101-145.
25. Rawkins, **op. cit.**, pp. 6-20.
26. Beblawi, **op. cit.**
27. Chatelus, **op. cit.**
28. Chatelus and Schemel, "Towards a New Political Economy of State Industrialization in the Arab Middle East", **International Journal of Middle East Studies**, 16,2 (1984), pp. 251-264.
29. Chatelus, **op. cit.**, pp. 99-128.
30. Mahdavy, **op. cit.**, pp. 429-467.

۳۱. نگارنده در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت و توسعه اقتصادی در ایران قبل از انقلاب: یک چارچوب نظری» که بزودی منتشر می‌شود، به ارائه چارچوبی نظری برای تطبیق نظریه دولت رانتیر بر دولت پهلوی دوم پرداخته است.

تولیدی است. تعصبات و تمایلات ضد تولیدی، هم رفتار اقتصادی را تغییر می‌دهد و هم انتخابها و تصمیمات اقتصادی را به انحراف می‌کشد. رفتار اقتصادی افراد و شرکتهای در راستای رقابت برای کسب هر چه بیشتر رانت در حال چرخش شکل می‌گیرد. از همین رو فعالیتهای تولیدی از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد. ۲۷

دوم اینکه دولت رانتیر برای پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده جامعه نوکیسه اقدام به واردات فزاینده بویژه واردسازی کالاهای لوکس و مواد غذایی می‌نماید و در نتیجه، وابستگی دولت به این واردات فزونی می‌گیرد. گذشته از این، در دسترس بودن کالاهای وارداتی خارجی که معمولاً ارزان و مرغوب است، ضربه مهلکی بر فعالیتهای تولیدی داخلی وارد می‌سازد.

محققانی چون چاتلوس و شمیل^{۲۸}، چاتلوس^{۲۹}، و مهدوی^{۳۰} به بررسی تأثیرات رانت بر اقتصاد داخلی پرداخته‌اند. یکی از تأثیرات مورد بررسی این محققان، تمایلی است که دولتهای رانتیر برای گسترش تولیدات داخلی و در نتیجه، کاهش وابستگی به رانت خارجی از خود نشان می‌دهند. این تمایل در اغلب موارد به ایجاد صنایعی منجر شده است که کارایی لازم را ندارند و به هیچ وجه در سطح جهانی رقابتی نیستند. در این ارتباط به کاهش تولیدات کشاورزی و عدم توجه به آن نیز پرداخته شده است. در واقع، در دسترس بودن مقادیر عظیم رانت خارجی باعث شده تا واردات مواد غذایی راحت تر و کم هزینه تر از تولید داخلی آن باشد. همچنین فرصتهای جذابی که در شهرها به وجود می‌آید باعث جذب نیروی کار کشاورزی به شهرها شده است.

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش کردیم با تعریف مفاهیم رانت، دولت رانتیر، و رانتیریسیم، ابهامات موجود در برخی از مقالات و کتب فارسی را که به بحث در این باره پرداخته اما تعاریف دقیقی ارائه نداده‌اند بر طرف نماییم. در کنار ارائه این تعاریف، برخی از مهم ترین منابع موجود در این زمینه را نیز معرفی نمودیم. هر چند در این مقاله به ارائه تعاریف بسنده کردیم، اما این گام برای انجام پژوهشهای بعدی در این زمینه لازم به نظر می‌رسید. امید است دیگر محققان در این زمینه بویژه در مورد دولت رانتیر به پژوهش بپردازند و جامعه علمی را از آثار خویش بهره‌مند سازند. ۳۱

پی‌نوشتها و منابع

۱. عده‌ای کلمه رانت را به بهره مالکانه و دولت رانتیر را به دولت تحصیلدار ترجمه نموده‌اند. ما در این مقاله ترجیح می‌دهیم که از این مفاهیم به همان شکل اصلی که در زبان انگلیسی به کار می‌رود استفاده نماییم.
2. D. Pearce, **The MIT Dictionary of Modern Economics** (MIT Press, 3rd Edition, 1989), p. 120.